

# استاد قاسم افغان حامی بزرگ استقلال و شاه امان الله



میر عبدالواحد سادات



در بزرگداشت صدمین سال احراز استقلال سیاسی افغانستان و تجلیل از پاسداران سترگ استقلال واقعی، جا دارد از نقش اثرگذار استاد قاسم افغان در آن صفحات شورانگیز تاریخ، با قدردانی و افتخار یادمانی نماییم و مقام والای این شخصیت بزرگ ملی و فرهنگی را گرامی بداریم که جایگاه رفیع این برلیان تاریخ موسیقی و بنیادگذار موسیقی معاصر کشور، اظهر من الشمس است. چنانچه استاد مددی از مفاخر موسیقی افغانستان در کتاب خود (سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان)، استاد قاسم را موسیقیدان جامع میدانند که در تمام شقوق موسیقی که بر همگان حق استادی داشته و "مکتب قاسم" و "سبک قاسمی" متعلق به او میباشد.

استاد قاسم فقید در رکاب پدر ، در دربار امیر عبدالرحمن خان بحیث نخستین غزل خوان ، جوان تبارز کرد و بحیث خواننده رسمی دربار امیر حبیب اله مورد توجه خاص قرارداداشت و ضمن دریافت هدایا ، هارمونی دانه نشان هندی امیر را از دست نصراله خان نایب السلطنه بدست آورد .

امان اله که در سلطنت پدر ملقب به " عین الدوله " بود ، بدور از انظار پدر ، منحیث شاگرد نزد استاد قاسم اصول موسیقی را فرا گرفت و از همان زمان دوست و رفیق همدیگر میشوند . استاد قیام مؤلف کتاب ( از صدا تا اهنگ ) که خود از موسیقی دانان بزرگ و ازغنائیم روزگار ما است ، مینویسد :

" شاه امان اله استاد قاسم را مانند وزرای کابینه در کنار خود مینشانند " در اوایل پادشاهی ، شاه امان اله ، استاد قاسم افغان در يك ضیافت شبانه ، با اشاره به نماینده انگلیس میخواند :

**میزند چشم کمبود تو ، ناخن به مژگان  
ترسم ای دوست میان من و تو جنگ شود**

و یا :

**همین جا صلح کن با ما ، چه لازم  
که در محشر ز ما شرمنده باشی**

چنانچه داکتر اکرم عثمان فقید در داستان معروف خود ( مرد و نامرد ) ذکر نموده است :  
دابس نماینده انگلیس در ان مجلس از استاد قاسم میخواهد که در ارمونیه پارچه افغانی را به وی بیاموزد ، که استاد در کسوت يك وطن دوست بزرگ و آگاه به نماینده استعمار انگلیس درس میدهد :

**مکتب ماست ، جای استقلال**

**سر نمودن فدای استقلال**

**درس ما نقطه های آزادی**

**سبق ما ، هوایی استقلال**

بدینترتیب استاد قاسم فقید ندای تمام مردم ازاده را که در کوه ها و دره های افغانستان طنین داشت ، بگوش نماینده استعمار میرساند و در واقع شکست امپراطوری انگلیس در رنگ پریده او بازتاب میابد و شاه را سرافراز و برنده بازی معرفی میدارد .

فردای ان شب " پر ماجرا " ، شاه امان اله محفل بخاطر قدردانی از استاد ترتیب میدهد و ضمن اعطای نشان اعلی " مسرت " ، استاد را ملقب به " افغان " میخواند و میگوید :

" شما به تمام ملت افغانستان تعلق دارید "

با گشت یکقرن این سخن و خشورانه شاه امان اله کماکان مصداق دارد و استاد قاسم افغان افتخار بزرگ مردم افغانستان میباشد .

استاد قاسم افغان در دوستی ، اشنایی ، رفاقت ، اندیوالی ، وفا ، صفا و محبت بسیار کوشا و متعهد بود و همو بود که در نخستین مجالس دربار شاه جوانبخت این شعر را خوانده بود :

قدمی که بر نهادی به وفا و عهد یاران

اگر از بلا بترسی قدم مجاب باشد

چنانچه استاد بزرگمنش در دوستی و وفاداری به شاه امان اله در نقش يك عیار و کاکه روزگار انرا ثبت تاریخ نمود . البته این دوستی بزرگ دو طرفه بود و شاه امان اله تا اخیر عمر به استاد فقید و هنر او ارج و حرمت فراوان داشت .

چنانچه مورخ معروف جناب سیستانی بنقل از هندیه ( د افغانستان ) مینویسد :  
" شاه امان اله در بستر مریضی و استانه مرگ از من خواهش کرد ، تا صدای استاد را به او بشنوایم ، تا تصور کند که :

در افغانستان است و در وطن خود چشم از جهان می پوشد " جناب سیستانی همچنان با کمال لطف در تکمله برین یاداشت در صفحه فیسبوك من تحریر داشته اند :  
" استاد قاسم نزد شاه امان الله غازی بسیار قدر داشت که حتی در سفر اروپائی خود او را فراموش نکرد و یادش را گرامی میداشت و باری در حال سفر از داخل ریل برایش نامه ای نوشت و فرستاد و از استاد قاسم خواهش کرده بود که منبدهنگام ثبت ریکاردهایش کلمه افغان را در آخر نامش علاوه نماید تا شنونده ها بدانند که این آواز استاد موسیقی افغانستان یعنی استاد قاسم افغان است. یاد آن بزرگمردان وطن گرامی باد. "  
منحیث حسن ختام این یاداشت ، سروده حماسی مرحوم مستغنی شاعر بزرگ را که توسط استاد قاسم افغان ، خوانده است ، با دوستان عزیز شریک میسازم :

ناز دارد بی سر و سامانی ام  
بحر در بر قطره طوفانی ام  
اسمان سیر است سرگردانی ام  
مشکل هر کار شد اسانی ام  
گردانی غیرت افغانی ام  
چون به میدان امدی ، می دانی ام

با حرمت